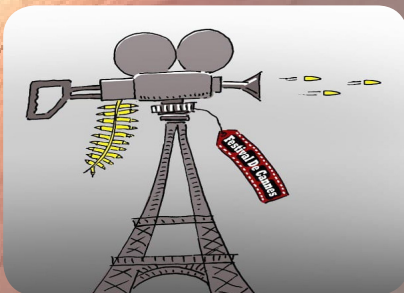


بیست و یک

ماهنامه فرهنگی سیاسی صنفی بیست و یک. شماره سی و نه. مرداد ماه ۱۴۰۱ | قیمت ۲۰۰۰ تومان (اختیاری)



گرین کارت



نابسان دانشجویی



شیطان بد وعده

گرین کورت



هنر در جهان است اما هزینه این پرورش را افراد خیر نمی‌دهند. از طرفی میبینیم، سرودی که از مهدکودک‌ها و مدارس سر درآورد، بعد از مدتی ریتم زمزمه‌های چندین کشور شده، روی چه حساب؟ یک سلام بر یک منجی خیر خواه که فقط قصه‌اش را شنیدیم. شاید حتی منتظر او نباشیم

اما فارس‌ها می‌گویند «دنیا بدون تو معنایی ندارد» عرب‌ها می‌گویند «لا خیر فی الحیات» و با همان ریتم از این معجزه یاد می‌کنند. بماند که عده‌ای کم سلیقه سعی کردند این جریان الفت قلوب را به همفکران خود نسبت دهند و عده‌ای سودجو دست و پا زدند تا این جریان را تصاحب کنند و از آن سود باد آورده‌ای به چنگ آورند. حالا شاید وقت این شده باشد که به سرمایه‌گذارهای جهان بگوییم، اینقدر با سرمایه‌ی خود در جشنواره‌ها قمار نکنید، سود اصلی جایی دیگر است. جایی که وعده‌ی صادق دارد، اگر سرمایه‌ی شما منفی هم باشد، این سود حتمی ست. البته گفتن این حرف‌ها برای ما در حال و هوای محرم، نه یک رویا و نه یک وعده توخالی، بلکه یک تجربه است، تجربه‌ای از یک دست بر سینه و یک سلام هرساله. السلام علی الحسین و علی‌ بن الحسین و علی اصحاب الحسین.

علی زین‌الصالحین

سرمایه‌گذار باشید که همه اتفاقات به سرمایه شما اثر می‌کند، پس باید این سرمایه را با دیدگاه اجتماعی و سیاسی خرج کرد. اخبار جهان خبر از تکرار اتفاقاتی شبیه زمینه انقلاب اسلامی ۵۷ خبر می‌دهد. تظاهرات و اشغال کنگره آمریکا، تظاهرات حزب کارگر در فرانسه، ناآرامی‌های تایوان و... همگی برای این سرمایه‌گذار باید فرصت‌سازی کند. پس اگر بتواند، روندی را پیش می‌گیرد که فطرت این جهان را به نحوی سودآور آموزش می‌دهد. مردم جهان ببینید سرنوشت افرادی مثل شما در ایران چه شد؟ آنها ۴۰ سال پیش رفتاری شبیه شما داشتند و حالا در اوضاع نامناسبی نسبت به قبل هستند. دیگر واردات تکنولوژی ندارند، درگیر تحریر سرشار از ترس شده‌اند. و از همه مهمتر، دشمن ما! هدف جشنواره‌های جهانی، پرورش

بسم الله الرحمن الرحيم

گاهی باید از خود برون شد و از دیدگاه سوم شخص به زندگی نگاه کرد. شاید اینطور بتوان خیلی از اتفاقات را در محاسبات جهان هستی درک کرد.

امسال در جشنواره‌های جهانی شاهد این بودیم که دو فیلم با موضوعات حساسیت برانگیز برای یک ایرانی، برنده جوایز شدند.

عده‌ای به این موضوع به چشم یک دشمنی می‌نگرند. دشمن می‌خواهد ما را ضعیف و غیرواقعی روایت کند. عده‌ای به این موضوع ذوقی نگاه می‌کنند. یک جشنواره و تعدادی کاندیدا و داوری بر اساس پارامترهای همیشگی باعث شده تا کارگردان‌ها بدانند با چه فیلمی حاضر شوند. بیایید یک نگاه دیگر را بررسی کنیم.

نگاهی که می‌گوید فطرت مخاطب را بشناس و به او بیاموز. اگر شما یک



FARSNEWS
Mohammad Ali Rajabi

014

شیطان

بر وعده

با مطالعه تاریخ مناسبات ایران و آمریکا، به وقایعی بر می‌خوریم که در آن‌ها، آمریکا به صورت فعالانه به تضییع حقوق ملت ایران پرداخته است. در این گزارش به مصادیق عهدشکنی و زیاده‌خواهی‌های آمریکا در دوره پهلوی و بعد از انقلاب مواردی همچون «اعتماد نابجای مصدق به آمریکا، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حمایت از حکومت استبدادی پهلوی، رویکرد خصمانه در قبال وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، بی‌توجهی و واشنگتن به مفاد توافق الجزایر ۱۹۸۱ بین ایران و آمریکا خصوصاً تعهد به عدم مداخله در امور داخلی ایران (به عنوان نخستین تجربه عهدشکنی آمریکا در برابر انقلاب اسلامی)، برقراری و تشدید تحریم‌های تجاری از سوی آمریکا در طول سال‌های جنگ تحمیلی و پس از پایان آن و البته خروج از برجام به عنوان ملموس‌ترین نمونه بدعهدی آمریکا و کوبیده شدن آخرین میخ بر تابوت برجام از سوی ترامپ در ۱۸ می ۲۰۱۸ (خروج غیرقانونی از یک تعهد چند جانبه) اشاره شده است.

کودتای ۲۸ مرداد؛ پاسخ آمریکا به اعتماد مصدق:

عملیات کودتای آمریکایی-انگلیسی در واپسین روزهای مرداد ۳۲ به مرحله اجرا درآمد اما در نخستین گام به شکست انجامید. بدین ترتیب، کودتای ناکام ۲۵ مرداد، محمدرضا پهلوی را از ایران به بغداد و سپس رم فراری داد. براساس شواهد موجود، در شرایطی که کودتا لو رفته بود و دست رژیم پهلوی و همکاران خارجی آن رو شده بود، مصدق همچنان بر اعتماد به آمریکایی‌ها اصرار می‌کرد. روز ۲۷ مرداد، درست یک روز قبل از کودتا، هندرسن به ملاقات مصدق رفت و از رفتار مردم ایران با آمریکایی‌ها سخن گفت و مصدق را تهدید کرد چنانچه



یابد و خیابان‌ها از تجمع مردم خالی نشود، تمام آمریکائیان به کشورشان بازخواهند گشت. در این هنگام، مصدق به سفیر آمریکا گفت: جناب آقای سفیر من از شما می‌خواهم این کار را نکنید. اجازه بدهید رئیس پلیس را بخواهم. من ترتیبی خواهم داد که هم‌میهنان شما را کاملاً محافظت کنند. بدین ترتیب در غروب ۲۷ مرداد، به دستور مصدق خیابان‌ها کاملاً خلوت شد تا خیال

کودتاچیان برای راه‌اندازی موج دوم کودتا راحت شود. اصرار مصدق به اعتماد بر آمریکا، آن هم در حالی که خود چندین بار شاهد بدعهدی آمریکایی‌ها بود بسیار عجیب و توجیه‌ناپذیر است. روز ۲۸ مرداد، مصدق با طرح «آژاکس» که آمریکا طراح آن بود و سیا نقش اصلی را در آن ایفا میکرد به زیر کشیده شد. سرانجام شاه بر خالف قانون؛ که محاکمه نخست وزیر را تنها توسط دیوان عالی کشور مجاز می‌شمرد؛ محمد مصدق را در دادگاه نظامی محاکمه و به سه سال حبس انفرادی محکوم کرد. دکتر حسین فاطمی (وزیر امور خارجه دولت مصدق)، کسی که پیشنهاد اولیه ملی شدن صنعت نفت را ارائه کرده بود؛ توسط دادگاه نظامی به اعدام محکوم و در حالی که بیمار بود؛ تیرباران شد. به این ترتیب نتیجه اعتماد مصدق به آمریکا نه تنها برای خود او بسیار تلخ بود، بلکه پیامدهای ناگواری برای ایران به همراه داشت. در نتیجه کودتای ننگین ۲۸ مرداد، منافع ملی ایران به تاراج رفت و طی قرارداد «کنسرسیون» رسماً از نفت ایران ملی زدایی شد. موضع آیت الله کاشانی در این مورد بسیار جالب است. او که مدت‌ها قبل متذکر شده بود که آمریکا غیر قابل اعتماد است در واکنش به تحمیل کنسرسیون به ملت ایران گفت: «ملت ایران حق دارد از آزادی و آزادیخواهی ناامید و نسبت به تمامی ادعاهای دنیای غرب بدگمان شود.» از این دوران عملاً آمریکا وارد میدان شد و با ظاهری دوستانه مثل اجرای طرح ترومن معروف به اصل چهار ترومن سعی در تغییر زندگی مردم و

به اصطلاح آمریکایی ناب کردن مردم نمود؛ از طرفی از ایران بعنوان ژاندارم خلیج فارس و منطقه استفاده کرد بدون اینکه دیناری برای این کار خرج کند و این در حالی بود که اعضای ناتو مثل ترکیه مبلغی قابل توجه به عنوان کمک نظامی دریافت می‌کردند. آمریکا به خاطر جلوگیری از انقلاب شاه را مجبور به اصطلاحات نمود که به اصطلاحات ارضی معروف شد ولی در داخل این اصطلاحات که ظاهری بودند برخی اصل‌ها نیز به منظور آمریکایی نمودن مردم، مثل به اصطلاح آزادی زنان و نظایر آن نیز مطرح شد و پس از آن نیز این نوع اعمال نفوذها که در خفا با سرکوب نیروهای مردمی و مذهبی همراه بود ادامه یافت.

کودتای ۲۸ مرداد پایه و اساس چند مورد از خیانت‌های دیگر آمریکا نیز بود که در ادامه بررسی خواهد شد. آمریکا بعد از انقلاب اسلامی نیز علیه مواضع ایران در منطقه توطئه‌های زیادی انجام داد و سیاست خارجی خود را در مقابل با ایران بر مبنای تهدید و مذاکره استوار کردند. بر همین اساس، در اغلب آمریکا در مواقع خطر در مقابله با ایران از طریق تهدید به جنگ و تحریم کاسبی کرده است.

در عین حال، ایران و آمریکا در امور سیاست خارجی و مسائل مختلف بین‌المللی و جهانی مذاکراتی نیز با یکدیگر داشته‌اند. نخستین مذاکره آمریکا با ایران به دوران دولت موقت مهندس بازرگان برای امور داخلی ایران و تسلیحات خریداری شده توسط ایران بازمی‌گردد.

نخستین مذاکره ایران و آمریکا؛ شاه را بر نمی گردانیم:

دولت موقت بر سر مسائلی مانند خرید تسلیحات، خروج دیپلمات‌ها و مستشاران آمریکایی و ایجاد کانال‌های ارتباطی با آمریکا مذاکره کرد. این دیدار به ریاست مهدی بازرگان و با حضور ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت و برژینسکی، مشاور امنیت ملی آمریکا در الجزایر برگزار شد.

یکی از وعده‌های آمریکا در این مذاکرات کوتاه و محدود به دولت موقت این بود که آنها گفتند: «آمریکا انقلاب اسلامی ایران را به رسمیت می‌شناسد و قصد کودتا علیه آن را ندارد!» وعده بعدی آمریکایی‌ها به بازرگان تحویل سلاح‌های فروخته شده زمان شاه به دولت موقت بود

درخواست دولت موقت در این مذاکرات از آمریکا تحویل شاه برای محاکمه عادلانه در داخل کشور بود که آن‌ها از این موضوع سرباز زدند و نخستین مذاکرات ایران و آمریکا به شکست و بدعهدی آن‌ها منجر شد.

البته این عبرت مانع رفتن به پای میز مذاکره با آمریکا از سوی دولت‌های بعدی نشد. بعد از حادثه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام در سال ۱۳۵۸ و به طول انجامیدن این موضوع دوباره باب مذاکره برای آزادی و اخذ امتیاز از آمریکا در برخی از محافل سیاسی و رسانه‌ای ایران گشوده شد. در همین زمینه آمریکا بعد از اینکه در عملیات نظامی علیه ایران در طیس شکست خورد، تمام اموال ایران در خارج از کشور را بلوکه کرد و روابط تهران-واشنگتن را به صورت یکجانبه قطع کرد. البته امام خمینی (ره) این

را سرآغاز تحول و اقدام مثبت دانستند. چند ماه بعد از افتتاح مجلس شورای اسلامی در خرداد ۱۳۵۹ طی نامه‌ای از سوی امام خمینی (ره) تصمیم‌گیری پیرامون گروگان‌های آمریکایی به مجلس شورای اسلامی سپرده شد. به همین دلیل هم ریاست تیم مذاکره کننده ایران برعهده «بهزاد نبوی» از اصلاح‌طلبان و معاون اجرایی دولت شهید رجایی سپرده شد. به دلیل اینکه ایران و آمریکا رابطه مستقیمی با یکدیگر نداشتند بار دیگر الجزایر میانجیگری بین دو کشور را برعهده گرفت. بعد از چند جلسه مذاکرات فشرده بین دو طرف در ۲۹ خرداد سال ۱۳۶۰ گفتگوها سرانجام به توافق منجر شد. در آن برهه هم عده‌ای در داخل ایران با سیاست‌های خارجی دولت مخالف بودند و مذاکره را رویکرد مناسبی نمی‌دانستند. ادامه دارد...



معجب یا غیر معجب..... اختلاف افکنی

جای حق انتخاب کجای این حرف هاست؟

می‌خواهم این سوال را هم ببرسم که آیا پشتوانه‌ی شخصی که این حرف‌ها را می‌شنود نمی‌تواند ذهن و فکر و انتخاب خودش باشد؟

حتما باید تحمیلی صورت گرفته می‌شد برای انتخاب هر کدام از این راه‌ها؟ حرفی که در عمق نگاه اوست چه می‌گوید؟

«اختلاف افکنی»

بحث پوشش یک این روزها تبدیل به یک چرخه‌ی بی‌انتهای شده است که دائما به هم متصل می‌شود. یک کلمه شروع می‌کنی و می‌خواهی یک جوری آن را تمام کنی اما باز بر می‌گردد سر خانه‌ی اول.

این از جایی شروع می‌شود که یک سوال در ذهن هر کسی که یک گوشه نشسته و دارد زندگی‌اش را می‌کند مطرح می‌شود که چرا من نظر ندهم؟ و بدین صورت این جدال آغاز می‌شود. چه در جامعه‌ی حقیقی و جامعه‌ی مجازی. این تناقض در نوع درست دیدن یکدیگر کار را برای همه سخت می‌کند.

این خط فرضی که بین محجبه و بدون حجاب بودن کشیده شده، اینتشدید گذاشتن روی بایدهای هر کدام باعث می‌شود هیچ کس حرف دیگری نپذیرد.

نگاه می‌کنم. به انسانی که در آینه است. به سایه‌ی کسانی که از جلوی در مغازه‌ها رد می‌شوند، چه کسانی هستیم؟ غریبه‌هایی که هر روز باهم همسفریم. در خیابان، در اتوبوس، صف نانوايي، ورودی عابر بانک.

مسیرمان یکی است. در ایستگاه‌هایی توقف می‌کنی م. روبروی هم می‌نشینیم و گاهی به هم نگاه می‌کنیم. در نگاه ما چیست و دنبال چه چیزی می‌گردیم؟ دنبال تعریف تکامل یک انسان از نظر ما در هر دهه و سنی که هستیم؟ آیا واقعا ما از لحاظ چیزی که دیده می‌شویم شناخته خواهیم شد؟ قضاوت خواهیم شد؟

از اتوبوس‌ها پیاده می‌شویم در ایستگاه‌های بعدی و بعدی آن به خانم یا آقای بر می‌خوریم که گویا قصد دارد حرفش را به کرسی بنشانند. می‌گوید چرا چادر سر کردی مگر در فلان عهد زندگی می‌کنی؟ پشتوانه‌ات چه کسانی هستند که این انتخاب را کرده‌ای؟

از اتوبوس پیاده می‌شویم در ایستگاه بعدی به شخصی بر می‌خوریم که می‌خواهد انتقاد و نظرانش را به کرسی بنشانند. می‌گوید چرا مانتوی تو این رنگ است یا چرا موهایت زیاد از حد خودنمایی می‌کند؟

وزن این کلمات گویای چیست؟



در کنار آمدن است. پذیرفتن اینکه می‌توانم کنار تو با صلح و آرامش در یک جامعه باشم. احترام قائل هستم برای انتخابت، برای شیوه‌ای که انتخاب کردی تا در جامعه مطرح شوی.

سعدی چه زیبا گفت:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
اگر آدمی به چشم است و دهان و
گوش و بینی
چه میان نقش دیوار و میان آدمیت



تابستان دانشجویی

با پایان امتحانات و شروع تعطیلات تابستانی، دانشجویان فعال و بانگیزه که در بازه امتحانات رنج بی‌خوابی‌ها و خستگی‌های بسیار زیاد را به جان خریده‌اند می‌توانند استراحت کرده و تجدید قوا کنند.

خوابی دلچسب با خاطری آسوده به دور از فکر امتحان، غم کارورزی‌های بی‌پایان و استرس تکالیف بی‌شمار. و البته این نکته حائز اهمیت است که انجام فعالیت‌های مفید دیگر به غیر از خوابیدن خالی از لطف نیست؛ و جوانان بدانند که همه زندگی در خواب خلاصه نمی‌شود.

نکته مهم دیگر این است که تعطیلات تابستان با آغاز ایام محرم و سوگواری برای اباعبدالله‌الحسین همراه است و دانشجویان فارغ از فکر کلاس و درس می‌توانند در مراسم عزاداری امام حسین شرکت کرده و از حس و

حال معنوی این ایام بهره‌مند شوند. از این‌ها بگذریم غفلت از بعد تفریحات و سرگرمی‌های تابستانه کار اشتباهی است پس به شما توصیه می‌کنم که اهمیت این بخش را درک کرده و حتماً دامنه تفریحات خود را مشخص کنید. برای مثال: پیاده‌روی

در هوای آزاد، گذراندن وقت با دوستان و خانواده، تماشای سریال مورد علاقه، رفتن به سینما، انجام ورزش‌های گروهی مثل والیبال و فوتبال، شرکت در کلاس‌های یوگا و تمدد اعصاب، و هزاران سرگرمی دیگر که شما را به وجد می‌آورد و روح شما را تازه می‌کند؛ تا سال تحصیلی جدید را با نیرویی مضاعف آغاز کنید بسیار سودمند است. اما گروهی دیگر از دانشجویان هستند که فرصت را غنیمت شمرده و از تعطیلات برای یادگیری مهارت جدید استفاده می‌کنند،



یا آماده‌سازی‌های لازم را برای آزمون‌های پیش‌رو انجام می‌دهند و یا در فکر این هستند که در کلاس‌های زبان شرکت کنند.

فارغ از اینکه دانشجوی چه رشته‌ای هستید و چه تصمیمی برای گذراندن تعطیلات تابستان خود دارید امیدوارم که از زمان خود بهترین استفاده را ببرید و همیشه رو به مسیر پیشرفت حرکت کنید و این را به خاطر داشته باشید که اولین گام برای حرکت در مسیر موفقیت اراده و تلاش خود

فاطمه ظهیری

معرفی کتاب

فتح

خون

ای تشنگان کوثر ولایت! بیایید... من سرچشمه را یافته‌ام. وایسفا! باطن قبله را رها کرده اید و بر گرد دیوارهای سنگی می‌چرخید؟ بیایید... باطن قبله اینجاست. به خدا، اگر نبود که خداوند خود این چنین خواسته، می‌دیدید کعبه را که به طواف امام آمده است و حجرالاسود را می‌دیدید که با او بیعت می‌کند. مگر نه این که انسان کامل، غایت تکامل عالم است؟ ... ای امت آخر! بر شما چه رفته است؟ مگر تا کجا می‌توان در محاق غفلت و کوری فرو شد که خورشید را نشناخت؟



توطئه ای جدید از سوی پیر فتنه گر



روز سه شنبه سایت کلمه که متعلق به هواداران میرحسین موسوی است یادداشتی را به نقل از وی منتشر کرد... موسوی در اظهاراتش سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی را زیر سوال برده و با سخیف‌ترین الفاظ مقام‌های عالی نظام، فرماندهان و شهدای مدافع حرم را مورد هجمه قرار داده و به حمایت تمام‌قد از تکفیری‌ها، داعش و رژیم صهیونیستی پرداخته است.

این اظهارات از یک سو باعث ذوق زدگی دشمنان ملت ایران شده و از سوی دیگر واکنش منفی افکار عمومی در فضای مجازی را برانگیخته است.

او در بیانیه‌اش سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را کج روی، شوم و ننگین‌ترین جرایم توصیف نموده و در ادبیاتی سخیف به ساحت مقدس شهدای مدافع حرم به ویژه سردار شهید همدانی اهانت کرده و نوشته است: آن سردار بی افتخار جان‌ش در غربت به قربانی مستبیدی دیگر تلف شد.

این پیر فتنه گر گویا به یاد ندارد که اگر فداکاری همین مدافعین حرم و آن سردار مظلوم شهید حسین همدانی نبود و در آن روزهای سخت از سقوط دمشق جلوگیری نمی کردند؛ داعش و گروه های تکفیری پس از بلعیدن سوریه و عراق به هیولایی بدل می شد که هیچ قدرتی یارای مقابله با آن را نداشت و هدف بعدیشان ایران بود.

اگر داعش به ایران می رسید آیا موسوی و هوادارانش که در خیابانهای تهران دست از هیچ جنایتی نشستند و همچون داعشی ها جوان بی دفاعی را عریان کردند؛ می خواستند جلوی آنها را بگیرند آنچه که موسوی در توهین به سردار شهید همدانی او را سردار بی افتخار کشته شده در غربت نامیده؛ تشییع عظیم و باشکوه فرماندهان غیور مقاومت در خارج از مرزهای ایران و محبوبیت آنان در بین ملت های آزادی خواه جهان را برای کدام

با جنگ داخلی تجزیه کند هم صدا با داعش و سران رژیم سفاک و کودک کش اسرائیل شده است.

این بیانیه نمایش یک سقوط کامل و بی حد و مرز برای موسوی است و نشان از تقلای او برای موجودیت بخشیدن به خود دارد، تلاشی است؛ برای بازگشت دوباره به میدان سیاست برای بدست گرفتن رهبری اپوزیسیون داخلی.

حال آن دسته افراد که تمایل به رفع حصر سران فتنه داشته و در اجرای اشد مجازات برای آنان تردید داشتند اکنون به یقین رسیده اند که چنین افرادی که به بلندگوی داعش و اسرائیل در ایران بدل شده اند؛ مستحق اشد مجازات طبق قانون هستند و تا اینجای کار هم نظام رافت به خرج داده و در برخورد با آنها مماشات کرده است.

یک از سران بزرگ اصلاحات و هم قطاران خود سراغ دارد که افتخاری این چنین بس بزرگ را بی افتخاری می داند.

اشاره میرحسین موسوی به عاشورای ۸۸ در این بیانیه در حالی است که افکار عمومی جنایت ها و اقدامات بی شرمانه او و هوادارانش در هتک حرمت به ساحت امام حسین علیه السلام را فراموش نکرده اند. این بیانیه بی شباهت به بیانیه شماره هفدهم او در زمان انتخابات ۸۸ نیست که حرمت شکنانی که مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر ولایت فقیه سر داده بودند را امت خداجو نامید.

هرچند این نخستین باری نیست که عناد با جمهوری اسلامی باعث شده صدای داعش، جبهه النصره و باقی گروه های تکفیری از اردوگاه اصلاحات به گوش برسد اما صراحت لهجه اخیر وی را می توان تلاشی عامدانه برای نمایان ساختن اوج خباثت و دشمنی سیاسی جریان فتنه با نظام دانست و شخصی که سال ۸۸ ماموریت یافته بود ایران را

بیک!...

سکانس اول: چادر عربی را به سر می کشم و خود را به کوچه های نجف می سپارم. بازار پرتلاطم نجف را که حالا به عشق و شور هم مبتلا شده، می گذرانم. بازاری که انگار هنوز هم از صلابت قدم های امیرالمومنین و مهربانی بی انتهایش رنگی دارد. از میان شلوغی ها به سمت دریا روانه می شوم و خودم را رو به روی ایوانش می بینم. روبروی ایوان امیرالمومنین. تنها امیرالمومنین. سیل جمعیت است که دسته دسته می آیند. هریک گلی به

دست گرفته، با عشق آن را روانه ی ضریح مولایش می کند. سلام بر تو ای پیشوای پیشانی بلندان. سلام بر تو ای امیر مومنان.

سکانس دوم: خودم را به موکب در شرقی دانشگاه می رسانم. بچه های هیات توی موکب ایستاده اند و در حال پذیرایی هستند. هرکس از این در وارد بشود بی شک شغف وجودش را فرامی گیرد. صدایی توی فضا پیچیده و عشق است که توی رگ هوا جریان دارد. به سمت موکب می روم که کمکی برسانم و همزمان زیر لب با سرود همخوانی می کنم: علیا ولی الله علیا ولی الله. ساعت دلمان کوک نجف شده است. سلام بر تو ای امیر مومنان.

قاب تماشا کنم. امام را از دور می بینم. با آن صلابت حیدری اش رو به روی ایوان نجف می ایستد و ای کاش زمان در همین صحنه متوقف بماند. اینجا نقطه ی تکرار ناشدنی تاریخ است. موعود به دیدار پدرش آمده و می رود که کوفه را پایتخت حکومت جهانی اش قرار بدهد. ولایت در این نقطه از تاریخ معنا می شود. من به امام نگاه می کنم. امام به ضریح نگاه می کند. صدایش طنین می اندازد: سلام بر تو ای امیر مومنان.

مریم توکلی



راه های ارتباطی

اینستاگرام:
www.instagram.com/bmui_valasr
تلگرام:
Telegram.me/valasr_bmui
ایمیل:
bmui.com@Nashr21

#

کدامیک از مطالب نشریه از نظر شما از لحاظ محتوایی کیفیت بهتری داشت؟ چه پیشنهادی برای بهتر شدن نشریه دارید؟

به برترین نظر ارسالی هدیه ای تعلق خواهد گرفت

ماهنامه فرهنگی سیاسی صنفی بیست و یک
شماره مجوز: ۹۴-۸-۴۲۳

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
مدیرمسئول و صفحه آرا: جواد بوجاری
سرمدیر: زهرا سادات حسینی
هیئت تحریریه: علی زین الصالحین، پوریا مظفری، فاطمه ظهیری، ریحانه بیانی، مریم توکلی، حسین سعیدی
این نشریه با حمایت معاونت فرهنگی دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان چاپ می شود.

